

یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده و تدابیر فراسرزمینی و تحریمی آن دولت در تعارض با حقوق بین‌الملل^۱

ناصرعلی منصوریان*

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۲۵

چکیده

با آنکه بر اساس دکترین جیمز مونرو، رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۱۸۲۳، ایالات متحده متعهد شد در هیچ کشوری مداخله نکند، واقعیت این است که تاریخ دیپلماسی آن کشور مشحون از دخالت‌های متعدّد، ابتدا در کشورهای همسایه (امریکای لاتین) و سپس در دیگر قاره‌هاست. با تأسیس سازمان جهانی تجارت و پدیده جهانی‌سازی، سیاست مداخله‌گراییه آمریکا در زمینه‌های اقتصادی جهت پیدا کرد و روزه‌روز نیز گسترده‌تر شد. آنچه این سیاست را در سال‌های اخیر در عرصه بین‌المللی محکومیت‌پذیر می‌سازد، رویکرد و عملکرد حقوقی آن، با تقنین اصل فراسرزمینی و تصویب تحریم‌های یکجانبه اقتصادی علیه چندین کشور، به‌ویژه دولت ایران، است. در پژوهش حاضر، با مروری در تدابیر یکجانبه ایالات متحده در سازمان جهانی تجارت، آنچه بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد، عدم مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه در حقوق بین‌الملل است که ویژگی بارز سیاست ایالات متحده در شرایط حاضر است. در این چهارچوب، موضع‌گیری بین‌المللی دولت ایران در اعتراض حقوقی علیه تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده مورد بحث واقع می‌شود.

اولین اقدام قضایی دولت ایران، با تکیه بر ترتیبات عهدنامه مؤدّت ۱۹۵۵، اقامه دعوا در ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۸ نزد دیوان بین‌المللی دادگستری بود که به صدور قرار موقت این مرجع منتهی شد. طی این قرار، قضات دیوان به اتفاق آرا از ایالات متحده خواستند کلیه موانع تجارت اقلام بشردوستانه با ایران را لغو نمایند. اکنون باید منتظر صدور حکم نهایی در این زمینه بود.

کلیدواژگان:

ایران، ایالات متحده، تحریم، قانون فراسرزمینی آمریکا، یک‌جانبه‌گرایی.

۱. هدیه‌ای کوچک به استاد گرانمایه و ممتاز دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، آقای دکتر گودرز افتخار جهرمی، که در حساس‌ترین سال‌ها، عالی‌ترین مرجع تخصصی حقوق بین‌الملل را در کشور، مدبرانه مدیریت کرده است.
* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

ابتدا به بررسی دو نکته می‌پردازیم: نخست اینکه در سال‌های دهه ۱۹۷۰ پدیده بین‌المللی‌سازی تولید وجود داشت که در سال‌های ۱۹۸۰ با منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی در عرصه حقوق پیگیری شد. نکته دوم این که از ابتدای سال‌های ۱۹۹۰، ما شاهد پیدایش پدیده جهانی‌سازی تجارت بودیم که به رقابت بین اتحادیه اروپا و ایالات متحده انجامید؛ پدیده‌ای که با یک‌جانبه‌گرایی اروپایی و آمریکایی گسترش یافت و تأیید شد.

نیک می‌دانیم که گات در سال ۱۹۴۷ به عنوان «یکی از مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی»^۱ و با اندیشه چندجانبه‌گرایی تأسیس گردید؛ اندیشه‌ای که با مباحث و مذاکرات تأسیس سازمان جهانی تجارت^۲ حفظ و تقویت شد.

در خصوص ایالات متحده، دغدغه حمایت همه‌جانبه اقتصادی و سیاسی از منافع ملی هم در نظام گات و هم از بدو تأسیس در سازمان جهانی تجارت ابراز گردید. به لحاظ تاریخی، نیک آگاهیم که منشور هاوانا که در سال ۱۹۴۸ به امضا رسید، و تأسیس سازمان بین‌المللی تجارت را به عنوان نهاد تخصصی سازمان ملل متحد پیش‌بینی کرده بود، به دلیل مخالفت کنگره آمریکا با تصویب آن نتوانست اجرایی شود.^۳ در دسامبر ۱۹۹۳، به هنگام تنظیم پیش‌نویس سند نهایی در ژنو که تأسیس سازمانی چندجانبه تجاری مدنظر بود، مقامات آمریکایی در واپسین لحظات، تغییر نام آن را پیشنهاد کردند، «چراکه چندجانبه‌گرایی به زعم ایشان به مثابه ضدیت کاملاً آشکار با یک‌جانبه‌گرایی قلمداد می‌شد».^۴

در سال ۱۹۹۶، ایالات متحده دو قانون تصویب کرد: «قانون آزادی کوبا و همبستگی مردم‌سالارانه» و «قانون تحریم‌های ایران و لیبی ۱۹۹۶» که موجب ایجاد واکنش‌های بین‌المللی و اعتراضاتی، مشخصاً از جانب کشورهای اتحادیه اروپا گردید. به نظر می‌رسد که طی

1. Th. Flory, Le Gatt- droit international et commerce mondial (Libr. Gén. de droit et de jur.: Paris, 1968), p.6.

2. Hervé Jouanjean, La négociation et entrée en vigueur du Traité de Marrakech, in: Colloque de Nice: la réorganisation mondiale des échanges (organisé par la S.F.D.I) (Paris: Pédon, 1996) pp. 37-45.

3. Th. Flory, p. 4.

4. J. lebullenger, L'Organisation Mondiale du Commerce, in: Th. Flory, La Communauté Européenne et le Gatt (Apogée: Paris, 1995), p. 23.

سنوات اخیر به علت همبستگی سیاسی-اقتصادی منطقه‌ای،^۱ اتحادیه اروپا از چندجانبه‌گرایی تجاری فاصله گرفته است.

۱. رویکرد سازمان جهانی تجارت و سیاست تقنینی یک‌جانبه‌گرایانه ایالات متحده

۱.۱. نظام سازمان جهانی تجارت

در مقدمه قرارداد ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ مراکش آمده است که طرف‌ها «موظف‌اند اصول بنیادین را رعایت و از تحقق اهداف تلویحی این نظام جهانی چندجانبه حمایت نمایند». بند (۴) ماده ۱۶ قرارداد مراکش بیان می‌دارد: «هر عضو باید قوانین، آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های اداری خود را با تعهدات خود، به همان صورتی که در قراردادهای مندرج در پیوست بیان شده‌اند، منطبق نماید». قرارداد مزبور در ماده ۱۲ خود نیز در مورد «اصول مرتبط با ممانعت‌ها و محدودیت‌های صادرات» تصریحاتی راجع به محدودیت‌های جدید بر صادرات فرآورده‌های غذایی دارد.

در واقع، نظام سازمان جهانی تجارت، با رعایت دقیق ضرورت‌های چندجانبه، به هر گونه تخطی که پیش‌تر مجاز بوده است، پایان می‌دهد و توسل به تدابیر استثنایی را فقط در شرایط اقتصادی توجیه‌گر آن، لحاظ می‌کند. استاد ژنویو بوردو این چنین استنتاج می‌نماید:

«یک‌جانبه‌گرایی دیگر نباید به لحاظ نظری در این نظام جایگاهی داشته باشد، حتی اگر مورد اختلاف راجع به اتومبیل بین ایالات متحده و ژاپن به طور کاملاً آشکار مشخص کند که تهدید تحریم یک‌جانبه همچون گذشته کماکان به عنوان ابزار چانه‌زنی در خدمت قدرت‌های بزرگ در مذاکرات تجاری وجود دارد».^۲

۱. در این خصوص از جمله ر.ک:

Jacques H.T. Bourgeois, The Common Commercial Policy-Scope and Nature of the Powers, in: Protectionism and the European Community- Europa Institute, university of Amsterdam (Kluwer, 1983), pp. 1-15; E. Friedel-Souchu, Extraterritorialité du droit de la concurrence aux États-Unis et dans la Communauté Européenne (Livr. Gén. de droit et de jur.: Paris, 1996) p 494.

2. G. Burdeau, Aspects juridiques de la mise en oeuvre des accords de Marakech, in : Colloque de Nice : La réorganisation mondiale des échanges, Pédone, Paris, 1996, P. 249.

۱.۲. بهره‌برداری از بخش ۳۰۱ ایالات متحده و موارد مشابه آن

به منظور مطالعه این مسئله، ضمن بررسی محتوا و اجرای قوانین تجارت سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۸۸، در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۱.۲.۱. قانون تجارت و تعرفه ۱۹۷۴

به منظور شناخت یک‌جانبه‌گرایی آمریکایی در امور تقنینی این کشور، باید محتوا و چگونگی اجرای این قانون را مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

۱.۲.۱.۱. محتوا

بخش ۳۰۱ تحت عنوان «قانون تجارت و تعرفه ۱۹۷۴» در نظام قانون‌گذاری آمریکا به مثابه نماد یک‌جانبه‌گرایی تهاجمی شناخته شده است. در سیاست آمریکایی، بخش ۳۰۱ تماماً علیه تحدیدهای بیگانه در تجارت اعمال شده و حقوق تجاری تفویضی گات و قراردادهای دوجانبه را تقویت نموده است. در صورت لزوم، اقدامات تلافی‌جویانه در مورد کسانی اعمال می‌گردد که تحت نفوذ رئیس‌جمهور از حقوق مزبور عدول کنند.^۱ اقدامات تجاری که خارج از حقوق گات و الزامات آن، «ناعادلانه» خوانده می‌شوند، موضوع بخش ۳۰۱ می‌باشند.^۲

۱.۲.۱.۲. اجرا

سیاست یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، به دلیل اینکه بالا بودن تراز تجاری ژاپن، به طور تهاجمی علیه این کشور به اجرا درآمده است، تدابیر یک‌جانبه نه تنها علیه ژاپن یا کشورهای توسعه‌یافته، بلکه علیه کشورهای شرق آسیا نیز اجرا شد. در واقع، افزایش صادرات ژاپن و چهار قدرت اقیانوس آرام (هنگ‌کنگ، سنگاپور، کره جنوبی و تایوان) و کشورهایایی که به تازگی صنعتی

1. J. Bhagwati and Hugh T. Patrick, *Aggressive Unilateralism – America's 301 Trade Policy and the World Trading System* (Univ. of Michigan Press, 1990), p. 91.

۲. تقسیم‌بندی ژان باگواتی و هیو تی. پارتریک در این خصوص قابل توجه است. به اعتقاد این نویسندگان «شیوه‌های بخش ۳۰۱ در تأسیس الزامات بازار جدید، با عناوین زیر از یکدیگر قابل تمایز هستند:

- با ایجاد بازار در بخش‌های مورد نظر گات، و امتیازگیری اضافی از کشورهای بیگانه در تولیدات کارخانه‌ای؛
- با ایجاد بازارها و/یا با تدوین آیین‌نامه‌ها و مقررات جدید در بخش‌های جدید (خدمات، کشاورزی) و با تدوین قواعد جدید، به عنوان مثال در خصوص ممنوعیت صادرات هدف‌دار؛
- با الزامی کردن حقوق کارگران؛
- با حمایت از حقوق مالکیت معنوی» (به نقل از منبع پیشین، ص ۱۱۹).

شده‌اند (همچون برزیل و کشورهای صادرکننده، مالزی و تایلند)، در کشورهای صنعتی در مورد صنایع خاصی موجب مشکلاتی شد که این کشورها به اصلاح و تغییراتی مجبور گردیدند. به دلیل اهمیت زیاد دسترسی خودروسازان کره‌ای به بازار خودروی آمریکا، نسبت به دسترسی آمریکاییان به بازار کره، عملکرد کره جنوبی از سوی ایالات متحده به عنوان عملکرد ناعادلانه تلقی و موضوع مفاد بخش ۳۰۱ واقع گردید.

اکنون باید به تحول سیاست یک‌جانبه آمریکا در صحنه تجارت پرداخت.

۲. تحول فراگیر سیاست یک‌جانبه ایالات متحده در عرصه تجارت

۲.۱. رویکرد تقنینی

دستگاه اداری آمریکا در سال ۱۹۹۶ دو قانون را تصویب کرد که مشخصه کامل سیاست یک‌جانبه در زمینه تجارت است. به ترتیب این دو قانون را که یکی به نام «هلمز-برتون» اغلب مشهور به «لیبرتاد» [مربوط به محاصره اقتصادی کوبا] و دیگری به عنوان قانون «داماتو-کندی»، شناخته می‌شود، بررسی می‌کنیم.

۲.۲. «قانون همبستگی کوبای آزاد و مردم سالار» [قانون هلمز-برتون] مصوب ۱۲ مارس ۱۹۹۶

پیش از بررسی تأثیرات این قانون در صحنه بین‌المللی و بر سازمان جهانی تجارت، محتوای آن را بررسی می‌کنیم.

۲.۲.۱. محتوا

هدف قانون هلمز-برتون، همان‌طور که در ماده ۱۱۶ آن اعلام شده است، سقوط نظام حکومتی فیدل کاسترو و روی کار آوردن دولتی «مردم سالار» بود؛ امری که از رهگذر تدابیر سیاسی سرکوبگرانه و اقتصادی الزام‌آور تلقی می‌شد.

قانون مزبور تمامی اشخاص را از هر گونه «دادوستد» کالاهای ملی‌شده با رژیم فیدل کاسترو منع می‌کرد. بند ۱۳ ماده ۴ قانون مورد نظر اصطلاح «هر شخص» را از جمله، اینگونه تعریف می‌نمود:

«فردی است که کالای توقیفی را بفروشد، انتقال دهد، شریک شود، هبه کند، مدیریت نماید، یا به فروش رساند یا به واسطه آن دلالی کند، یا بخرد، یا اجاره دهد، دریافت کند، تملک نماید، اداره کند، مورد استفاده قرار دهد، یا به شیوه‌ای دیگر، به دست آورد یا در این امور مشارکت نماید»^۱.

قانون مزبور به منظور نیل به اهداف خود، مجازات‌هایی را وضع می‌کند که «به دو مورد آن به شدت اعتراض شده یا قابل اعتراض می‌باشند. نخست اینکه، ردیف سوم به اتباع فعلی آمریکایی -از جمله مهاجرین کوبایی مقیم- که اموال آنان طی سال‌های ۱۹۵۹-۱۹۶۱ ملی شده است، امکان پیگیری هر شخص اقدام‌کننده به دادوستد کالاهای مزبور را در سطح جهانی [می‌داد]. دوم اینکه به موجب ردیف چهارم، تمامی اشخاص -از جمله مدیران و سهام‌داران شرکت‌ها و همچنین همسران و فرزندان صغیر ایشان- که اقدام به چنین دادوستدی نمایند، [نمی‌توانستند] به ایالات متحده وارد شوند»^۲.

۲.۲.۲. تأثیر قانون در سطح بین‌المللی و در بطن سازمان جهانی تجارت

اعتراضاتی که پروفیسور استرن از آن سخن رانده است، هم از سوی دولت‌ها و هم از سوی سازمان‌های بین‌المللی ابراز می‌شود. «از اروپا تا ژاپن، از روسیه تا چین محکومیت رفتار امپریالیستی و مخالف حقوق بین‌الملل ایالات متحده تقریباً جهانی شده است»^۳.

۱. برای استناد به مدارک مربوط به این بخش ر.ک:

Le Dossier Documentaire, Université Paris X – Sanctions unilatérales, mondialisation du commerce et ordre juridique international – à propos des lois Helms-Burton et d'Amato-Kennedy, Dossier Documentaire préparé par S. Barbier, E. Cujo, L. Djermoun, H. Gherari, D. Potier, S. Szurek et K. Tamamian- journée d'actualité juridiques, vendredi 31 janvier 1997.

2. B. Stern, Vers la mondialisation juridique? Les lois Helms-Burton et d'Amato-Kennedy, in: RGDIP 1996, p. 984 ; Les États-Unis et le droit impérialiste, le Monde du 12 septembre 1996; De simples "Commentaires" à une "action commune": La naissance d'une politique juridique communautaire en matière d'extraterritorialité, in: Revue Europe, février 1997, pp. 8-9; Can the U.S Set Rules for The World? A French View, in: *Journal of World Trade*, Vol. 31, No. 4, August 1997, pp. 5-26.

نیز برای آگاهی بیشتر در این خصوص که چگونه این قانون اصول عمومی حقوق بین‌الملل را زیر پا می‌گذارد، ر.ک:

H. Scott Fairley, Exceeding the Limits of Territorial Bounds: the Helms-Burton Act, in: 34 CYIL 1996, pp. 161-213; Lucien J. Dhooge, Fiddling with Fidel: An Analysis of the Cuban Liberty and Democratic Solidarity Act of 1996, in: *Arizona Journal of International and Comparative Law*, Vol. 14, No. 3, Fall 1997, pp. 575-634.

3. L. Zecchini, L'Europe refuse que Washington sanctionne des firmes étrangères, *Le Monde*, 25-26 août 1996, →

همچنین سازمان‌های بین‌المللی، مانند جوامع اروپایی، نیز واکنش‌هایی نشان دادند. در ژوئیه ۱۹۹۶، شورای اروپا «نگرانی عمیق خود را در مورد آثار فرا سرزمینی قانون هلمز-برتون...» اظهار نمود.^۱

اعتراضات دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بر آثار فراسرزمینی این قانون مبتنی بود. آثار مزبور به طور خاص علیه چندجانبه‌گرایی تجاری هدایت می‌شد و به طور کلی، جز در موارد استثنا، به زیان قواعد حقوق بین‌الملل بود. «هرگاه تمامی یا بخشی از فرایند اجرای یک هنجار خارج از سرزمین دولت ناشر آن باشد، فراسرزمینی بودن اجرای آن وجود دارد».^۲

۲.۲.۳. «قانون تحریم‌های ایران و لیبی ۱۹۹۶» [قانون داماتو-کندی]، مصوب ۵ اوت ۱۹۹۶
این قانون که نسبت به قانون قبلی از گستردگی کمتری برخوردار است، به دلیل تحریم تبادل آزاد بین‌المللی کاملاً قابل اعتراض بود. درحالی‌که هدف قانون هلمز-برتون اجرای تحریم‌های سیاسی و حقوقی بود، قانون مزبور تحریم‌های اقتصادی را نیز شامل می‌شد. اینک به بررسی محتوا و تأثیر بین‌المللی و حقوقی آن می‌پردازیم.

۲.۲.۳.۱ محتوا

قانون داماتو-کندی به روابط نفتی و فعالیت‌های مؤسسات اقتصادی اروپایی مربوط می‌شد که با لیبی و ایران دارای همکاری تجاری بودند. شرکت‌های نفتی فرانسوی توتال و اِلف سرمایه‌گذاری زیادی در صنعت نفت ایران و لیبی کرده بودند. در سال ۱۹۹۵، شرکت توتال ۶۰۰ میلیون دلار در ایران سرمایه‌گذاری کرد. این شرکت به طور وسیعی در اکتشاف نفت در لیبی نیز سرمایه‌گذاری کرده بود. در پی تضعیف تروریسم بین‌المللی، قانون داماتو-کندی به ممانعت سرمایه‌گذاری سالانه بیش از ۴۰ میلیون دلار برای هر مؤسسه اقتصادی در سطح جهانی در توسعه بخش نفت و گاز لیبی و ایران صرفه‌جویی می‌کرد. این ممانعت، در صورت عدم تغییر و تحول اوضاع، تشدید شده، به بیش از ۲۰ میلیون دلار در پایان سال تقلیل می‌یافت. علاوه بر ممنوعیت‌های سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز هر دو کشور، محدودیت‌هایی نیز فقط به کشور لیبی اختصاص داشت. در واقع ایالات متحده در این قانون، به ممنوعیت‌های صادرات کالا،

←cité par B. Stern, Vers la mondialisation juridique? Les lois Helms-Burton et d'Amato-Kennedy, in: RGDIP 1996, p. 986.

1. B. Stern, p. 987.

2. B. Stern, L'exterritorialité révisée, in: AFDI 1992, p. 242; E. Fridel-Souch, pp.13-51.

خدمات یا فناوری ارجاع می‌داد که سازمان ملل متحد در چارچوب پرونده لاکربی، پیش‌تر علیه لیبی وضع کرده بود. به محض اینکه صادراتی اینچنینی بر توسعه بخش گازی یا نفتی، صنایع اسلحه‌سازی یا ظرفیت‌های هوایی، تأثیری چشمگیر می‌گذاشت، موارد مزبور نیز مشمول تحریم‌های آمریکایی می‌شد.^۱

گستره تحریم‌های پیش‌بینی شده در قانون مذکور موجب بروز واکنش‌هایی با همان اهمیت مورد پیشین از سوی دولت‌ها و سازمانی‌های بین‌المللی گردید.

۲.۲.۳.۲ تأثیرات بین‌المللی و حقوقی

محافل تجاری و نفتی بین‌المللی و اروپایی مخالفت خود را با تحریم‌های اقتصادی آمریکایی، موضوع این قانون مصوب علیه توسعه و آزادی عمل صنعت نفت ایران، ابراز داشتند. به علت تلفیق قانون مذکور با «قانون کنگره ایالات متحده» که رئیس‌جمهور آمریکا در ۱۰ فوریه ۱۹۹۶ علیه جمهوری اسلامی ایران امضا نمود، ایران را در اوت ۱۹۹۶ به اقامه دعوا در دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا در لاهه سوق داد. سزاوار است ما نیز به بررسی واکنش‌های بین‌المللی و دعاوی جاری بپردازیم.

۲.۲.۳.۲.۱ واکنش‌های بین‌المللی

در ژوئیه ۱۹۹۶ شورای اروپا به شدت از آثار فرا سرزمینی لایحه آمریکایی ضد ایران و لیبی انتقاد نمود. در ۲۱ اوت ۱۹۹۶ بیانیه ریاست جمهوری در مورد تصویب قانون داماتو-کندی، از

۱. تحریم‌های قانون داماتو-کندی عبارت بودند از:

- نخست: ممنوعیت هر گونه کمک مالی صادرات-واردات؛
- دوم: ممنوعیت هر گونه مجوز صادرات فناوری به نفع اشخاص تحریم شده؛
- سوم: ممنوعیت اعطای اعتبار بیش از ۱۰ میلیون دلار از سوی مؤسسات بانکی آمریکایی (در صورت عدم تغییر و تحول اوضاع، ۵ میلیون در پایان سال) به اشخاص تحریم شده؛
- چهارم: ممنوعیت شرکت‌های سرمایه‌گذار تحریم‌شده از مشارکت در نظام بانکی آمریکایی یا دریافت سرمایه‌های دولتی؛
- پنجم: ممنوعیت دولت فدرال از خرید هر گونه کالا یا خدمات از اشخاص تحریم شده؛
- ششم: ممنوعیت کامل صادرات کالاهای تولیدی اشخاص تحریم شده». در این خصوص رک:

V. Lowe, U.S. Extraterritorial Jurisdiction: "The Helms-Burton and d'Amato Acts", in: 46 ICLQ 1997, pp. 381-383; WTO-Focus, December 1996, N° 14, pp. 2-3, August 1997, N° 21, p.2; Dossier Documentaire, Cedin Paris X, Doc. 4, 7, 8, 9, 10, 11, 12 et 13; Agora: The Cuban Liberty and Democratie Solidarity (Libertade) Act, by A. F. Lowerfeld, B. M. Clagett, in AJIL 1996, pp. 419-440, 641-644.

سوی اتحادیه اروپا منتشر شد و تصدیق نمود که «اتحادیه اروپا با نگرانی تمام تصویب قانون متضمن آثار فرا سرزمینی ایالات متحده را در خصوص ایران و لیبی زیر نظر دارد». اتحادیه اروپا به دفعات و به روشنی مواضع خود را در مخالفت با تدابیری از این نوع ابراز نموده است. این اتحادیه بر این اعتقاد بود که چنین قانونی وسیله مناسب و مؤثری برای مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی نیست.^۱

در مورد ایران، تصویب قانون مزبور موجب انصراف فوری دو شرکت نفتی ژاپنی و یک شرکت کانادایی در مذاکرات عقد قرارداد خود با شرکت ملی نفت ایران (NIOC) شد.

۲.۲.۳.۲.۲. واکنش حقوقی: رجوع به دیوان داورى دعاوى ایران-ایالات متحده

در سال ۱۹۹۶ رئیس‌جمهور کلینتون دو قانون را امضا کرد: ابتدا در ۱۰ فوریه ۱۹۹۶ قانونی که به دولت آمریکا اجازه می‌داد تا «به منظور استقرار نظامی میان‌ه‌رو» در امور داخلی ایران مداخله کند و نیز در ۴ اوت ۱۹۹۶ قانون داماتو-کندی.

قانون نخست که لایحه اولیه آن از ابتدای سال ۱۹۹۵ مورد بحث بود، تخصیص مبلغی حداکثر ۲۰ میلیون دلار از بودجه دولت آمریکا را برای «حمایت از گروه‌های مخالف دولت ایران و استقرار نظامی جدید پیش‌بینی می‌کرد».^۲ در ۲۸ دسامبر ۱۹۹۵، وزیر امور خارجه ایران به این اقدام تقنینی آمریکا اعتراض و نامه‌ای برای دبیرکل سازمان ملل ارسال نمود.^۳ دولت آمریکا به این اعتراض هیچ پاسخی نداد.

تصویب دومین قانون علیه منافع اقتصادی ایران و آثار الزام‌آور این قانون بر صنعت نفت، این کشور را به اقامه دعوا در دیوان داورى دعاوى ایران-ایالات متحده رهنمون گشت. در ۱۲ اوت ۱۹۹۶ دادخواست ایران، مبتنی بر تفسیر مفاد بیانیه الجزایر، مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱، به دادگاه تقدیم شد. می‌دانیم که انعقاد قراردادهای الجزیره با میانجی‌گری دیپلماسی الجزایر موجب تأسیس دیوان مزبور در لاهه شد که به قضیه گروگانگیری کارکنان دیپلمات و کنسولی سفارت آمریکا در تهران و بحران ناشی از آن پایان داد.^۴

1. Doc. No. 14:9535/1/96, pp.72/96, REV 1 (f), in: Dossier Documentaire, p.83.

2. Washington Post, 22 December 1995.

3. UN-GA/SC Doc. A/50857, S/1995/1064, 28 December 1995.

۴. در این زمینه ادبیات حقوقی غنی وجود دارد. بالاخص ر.ک.←

بر طبق نکته نخست، بند ۱، بیانیه کلی اعلام می‌داشت:

«ایالات متحده متعهد می‌شود که سیاست خود را از این پس بر عدم دخالت مستقیم یا

غیرمستقیم، سیاسی یا نظامی در امور داخلی ایران مبتنی نماید».

بند ۱۰ همین بیانیه تصریح می‌کرد:

«به محض تأیید اجرای بند ۳ بالا از سوی دولت الجزایر، ایالات متحده تمامی تحریم‌های

تجاری علیه ایران از ۴ نوامبر ۱۹۷۹ تا امروز را لغو خواهد کرد».^۱

ضمن درخواست تفسیر و اجرای دو تعهد قراردادی مزبور، دولت ایران از دیوان درخواست نمود

که عدول ایالات متحده را از تعهداتی که بر طبق بیانیه الجزیره پذیرفته بود، به رسمیت بشناسد. به

علاوه، ایران خواستار شد، ایالات متحده به عدم دخالت در امور داخلی ایران، توقف فوری اجرای

این دو قانون و پرداخت غرامات ناشی از خسارات مترتب بر عدول مذکور ملزم گردد.^۲

در ۸ اوت ۱۹۹۷، ایالات متحده پاسخ خود را با استدلالی مبتنی بر حفظ امنیت داخلی کشور و

تعهدات خود علیه تروریسم بین‌المللی ارائه داد. دیوان هنوز به این پرونده رسیدگی نکرده است.^۳

۳. مسئله تحریم‌های یک‌جانبه از دیدگاه حقوق بین‌الملل

۳.۱. طبقه‌بندی اقسام تحریم در حقوق بین‌الملل

تحریم‌های یک‌جانبه، صرف‌نظر از جواز یا ممنوعیت آن، واقعیتی است که در عرصه روابط

بین‌المللی خودنمایی می‌کند. از دیرباز، دولت‌ها برای پیشبرد منافع و مصالح ملی خود به تحریم

متوسل می‌شدند. دولت‌ها به منظور تحمیل فشار اقتصادی بر دولت هدف تحریم، به‌طور

←P. Juillard, Le rôle joué par la République populaire et démocratique d'Algérie dans le règlement du contentieux entre les États-Unis d'Amérique et la République Islamique d'Iran, in : AFDI 1981, p.19 *et seq.* : W. Mapp, The Iran-U.S. Claims Tribunal, The First Ten Years 1981-1991 (Manchester University Press, 1993), 393 p.

۱. برای مطالعه متن فرانسوی بیانیه‌ها ر.ک:

B. Audit, Règlement des Différends entre les États-Unis et l'Iran, in : Clunet 1981, pp. 776-787 (Annexes).

۲. برای شناخت پرونده الف ۳۰ ر.ک:

A/30, Full Tribunal-Statement of Claims: U.S. International in Iranian Affairs. Before the Iran-U.S. Claims Tribunal, The Hague, The Netherlands, filed 12 August 1996, Doc. No. 1, p 29.

۳. در این مورد همچنین ر.ک:

A/30, Full Tribunal-Statement of Defense of U.S.A Before The Iran-U.S. Claims Tribunal, filed 8 August 1997, Doc. Nos. 16, 17, 18; Dj. Momtaz, La Plainte de l'Iran devant le Tribunal des différends irano-américains, in : Dossier Documentaire.

یک‌جانبه صادرات و واردات، سرمایه‌گذاری و هرگونه رابطه تجاری و اقتصادی با آن را محدود و یا قطع می‌کنند.^۱

در حقوق بین‌الملل، تحریم اقسام گوناگونی دارد؛ یکی از مهم‌ترین اقسام آنها، تحریم‌های نهادین^۲ است. در چنین مواردی، دولت‌ها در قالب نهادی بین‌المللی علیه دولت دیگری به اقدامات تضيیعی مبادرت نموده، با این کار دولت متخلف را به تبعیت از سیاست‌های سازمان (نهاد بین‌المللی) وادار می‌کنند. در چهارچوب مقررات منشور ملل متحد، چنانچه افعال و اعمال یکی از دولت‌ها ناقض صلح و امنیت بین‌المللی باشد، شورای امنیت می‌تواند به منظور استقرار صلح و امنیت بین‌المللی، دولت متخلف را تحریم نماید. ماده ۴۱ منشور ملل متحد تحریم‌های نهادین را به گونه زیر بیان کرده است:

«شورای امنیت به منظور اجرای تصمیمات خود می‌تواند تصمیم بگیرد که اقداماتی را که متضمن استفاده از نیروهای مسلح نباشد، اتخاذ نماید، همچنین آن شورا می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که چنین تصمیماتی را اعمال و اجرا نمایند. چنین اقداماتی می‌تواند شامل قطع کلی یا جزئی روابط اقتصادی، خطوط ارتباطی راه آهن، هوایی، پستی، تلگراف، رادیو و دیگر وسایل ارتباطی و قطع روابط دیپلماتیک گردد».

همان‌طور که در ماده ۴۱ منشور دیده می‌شود، تحریم‌های شورای امنیت شامل طیف وسیعی از اقدامات از قبیل قطع روابط اقتصادی، قطع روابط ارتباطی و همچنین قطع روابط دیپلماتیک می‌گردد. وجه تسمیه تحریم‌های نهادین آن است که چنین تحریم‌هایی در راستای حفظ ارزش‌های مرتبط با نهادهای بین‌المللی وضع می‌شود.^۳

اما، گاه یک دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها در خارج از مقررات نهادهای بین‌المللی به اتخاذ اقدامات تضيیعی علیه دولت دیگر مبادرت نموده، می‌کوشند تا دولت مخالف منافع خویش را به متابعت از خواسته‌ها و امیال خود وادار نمایند. در این مورد، می‌توان به تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران اشاره کرد. در ۸ می ۲۰۱۸، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، دونالد ترامپ، تحریم‌های

1. Michael P. Malloy, *Economic Sanctions and U.S. Trade*, Little, Brown, 1990, p. 7.

2. Institutional sanctions.

3. A. Pellet, *Unilateral sanctions and international law*, Yearbook of institute of international law, Volume 76, p.5.

یک‌جانبه‌شدیدی را علیه ایران وضع کرد و بدین طریق کوشید تا سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه خود را علیه دولت ایران تحمیل نماید.

در بحث تحریم‌های یک‌جانبه که منحصراً موضوع بحث است، قبل از هر چیز ضرورت دارد بیان شود، مقصود از تحریم‌های یک‌جانبه تحریم‌هایی‌اند که دولت‌ها آن را خارج از مقررات سازمان ملل متحد وضع می‌نمایند. بنابراین، چنانچه تعدادی از دولت‌ها خارج از موازین سازمان ملل متحد دولت دیگری را تحریم نمایند، چنین تحریمی یک‌جانبه تلقی می‌گردد؛ چراکه در خارج از چارچوب سازمان ملل متحد وضع و اجرا گردیده است. به عبارت دیگر، ملاک برای تشخیص تحریم‌های یک‌جانبه آن نیست که صرفاً توسط یک دولت وضع و اجرا شده باشد. به همین سبب، اگر چندین دولت خارج از موازین سازمان ملل متحد دولت یا دولت‌های دیگری را تحریم کنند، چنین اقداماتی در دسته‌بندی تحریم‌های یک‌جانبه طبقه‌بندی می‌گردند.

۳.۲. مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه در حقوق بین‌الملل کلاسیک

در ساختار حقوق بین‌الملل کلاسیک، تحریم‌های یک‌جانبه کاملاً مشروع قلمداد می‌شدند. حقوق بین‌الملل کلاسیک ساختاری وستفالیایی داشت؛ به طوری که در آن علی‌الاصول برای اراده دولت‌ها حدی و مرزی وجود نداشت، مگر آنکه دولت‌ها خود اراده‌شان را به وسیله عقد معاهدات یا در قالب عرف بین‌المللی محدود و مقید می‌نمودند. در سال ۱۶۴۸ م، یعنی سالی که معاهده صلح وستفالی منعقد گردید، ساختار روابط بین‌الملل بر مفهوم حاکمیت برابر دولت‌ها استوار شد. معنای حاکمیت برابر دولت‌ها در آن زمان بدین صورت تعبیر می‌شد که دولت‌ها اراده‌ای مطلق دارند و هیچ محدودیتی بر اراده مطلق دولت‌ها قابل تصور نیست، مگر آنکه دولت‌ها در قالب معاهده و عرف بین‌المللی اراده مطلق خود را مقید و محدود نمایند. بدین ترتیب، مفهوم حقوق بین‌الملل وستفالیایی^۱ مبین اراده نامحدود دولت‌ها در جامعه بین‌المللی است.

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه لوتوس، وضعیت حقوق بین‌الملل [کلاسیک] را در قالب عبارات ذیل به تصویر درآورده است: «حقوق بین‌الملل روابط میان دولت‌های مستقل را تنظیم می‌کند. قواعد حقوق [بین‌الملل] تنظیم‌کننده روابط دولت‌هایی است که واجد اراده هستند،

1. Westphalian conception of international law.

اراده‌ای که در قالب پیمان‌ها و یا عرف‌های عام پذیرفته شده متجلی گردیده‌اند.....^۱ بدین ترتیب، اراده عنصر مقوم و رکن اساسی حقوق بین‌الملل کلاسیک قلمداد می‌گردد. بدیهی است، در شرایطی که جنگ امری مشروع به حساب می‌آید، تحریم به طریق اولی مشروع قلمداد می‌شود. گروسایوس بر این عقیده بود که پادشاهان به منزله حاکمان جامعه از حق مجازات^۲ و تنبیه برخوردارند. حاکم به منظور اعمال این حق هم قادر بر مجازات تبعه خود بود و هم قادر بر مجازات سایر دولت‌ها.^۳

عصر کلاسیک حقوق بین‌الملل از ۱۶۴۸ تا اواسط قرن بیستم امتداد یافت. اما در اواسط قرن بیستم تحولاتی چند ساختار کلاسیک حقوق بین‌الملل را دگرگون ساخت و موجب پیدایش برگ جدیدی در تاریخ حقوق بین‌الملل گردید. حال باید، به توضیح این امر در حقوق بین‌الملل مدرن بپردازیم.

۳.۳. مسئله مشروعیت یا عدم مشروعیت تحریم‌ها در رویکرد حقوق بین‌الملل مدرن

۳.۳.۱. گذار از حقوق بین‌الملل کلاسیک به حقوق بین‌الملل مدرن

نخستین و مهم‌ترین تحول حقوق بین‌الملل در نیمه نخست قرن بیستم آن بود که دولت‌ها توسل به زور در روابط بین‌المللی را ممنوع شمردند. در ۱۹۲۸، برخی دولت‌ها با امضای پیمان بریان-کلوگ متعهد شدند که در روابط خود با یکدیگر از توسل به جنگ پرهیز نمایند. در نهایت، دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی در ۱۹۴۵ با امضای منشور ملل متحد جنگ را در روابط میان دولت‌ها ممنوع کردند و بدین طریق مظهر بطلانی بر مشروعیت جنگ زده، آن را از اعتبار ساقط نمودند. اهمیت قاعده منع توسل به زور در روابط بین‌الملل تا آنجاست که این قاعده در بند ۴ ماده ۲ منشور در زمره اصول منشور ملل متحد به شمار آمده است.

ظهور منشور حقوق بشر، دومین تحول بنیادینی بود که در اواسط قرن بیستم در قلمرو حقوق بین‌الملل شکل گرفت. از ۱۶۴۸ تا اواخر قرن نوزدهم، حقوق بشر در حیطه صلاحیت‌های داخلی دولت‌ها قرار داشت. در روزگار کلاسیک حقوق بین‌الملل، دولت‌ها معتقد بودند که چگونگی

1. CPJI, Affaire du Lotus, Série A, N° 10, Le 7 septembre 1927, p. 18.

2. Right to punishment.

3. Grotius, De jure belli ac pacis, [1646], Book II chapter 20 para 40. In Alain Pellet, Unilateral sanctions and international law, p.723.

برخورد با شهروندان در حیطة صلاحیت داخلی آنان قرار دارد و دولت دیگری نمی‌تواند نسبت به رفتار دولت با شهروندان خود اظهارنظر نماید. تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ در دیوارهای سخت حقوق بین‌الملل کلاسیک رخنه کرد و موجب گردید که حقوق بشر از قلمروی محفوظ دولت‌ها خارج شود و سیمایی جهانی به خود بگیرد. دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی با تصویب میثاقین حقوق بشر (میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) به تقویت و تحکیم نظام حقوق بشر همت گماردند. بدین ترتیب، در روزگار ما، دولت‌ها دیگر نمی‌توانند ادعا کنند که تأثیر اقدامات یک‌جانبه‌گرایانه آنان نسبت به حقوق بشر از اهمیت برخوردار نیست.

سومین تحول بنیادینی که در قلمرو حقوق بین‌الملل ایجاد شد، پدیداری مفهوم قاعده آمره بود. در حقوق بین‌الملل کلاسیک، هیچ‌گونه سلسله‌مراتبی میان قواعد حقوق بین‌الملل وجود نداشت. اما کنوانسیون وین حقوق معاهدات با طرح مفهوم قاعده آمره^۱ سیمای حقوق بین‌الملل کلاسیک را تا حدودی متحول کرد و میان قواعد حقوق بین‌الملل سلسله‌مراتبی به وجود آورد. ماده ۵۳ کنوانسیون وین حقوق معاهدات درباره قاعده آمره چنین اشعار داشته است: «هر معاهده‌ای که در زمان انعقاد با یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام در تعارض باشد، باطل است...». برای نمونه، اگر در گذشته پیمان دو دولت بر سر تجاوز علیه قلمرو سرزمینی دولت دیگر مجاز و معتبر قلمداد می‌شد، امروز با ظهور قاعده آمره اساساً چنین پیمانی مجاز و معتبر نیست و دولت‌ها نمی‌توانند با استناد به پیمان‌های خود قواعد آمره حقوق بین‌الملل را نقض نمایند. بدین ترتیب، پرسش مهمی که به میان می‌آید، آن است که اگر اعمال تحریم‌های یک‌جانبه موجب نقض یکی از قواعد آمره گردد، آیا چنین اقداماتی معتبر تلقی می‌گردد؟ واقعیت آن است که پاسخ به این پرسش ساده نیست. منطوق ماده ۵۳ کنوانسیون وین مبین آن است که ابطال مقررات معاهده‌ای در فرض تعارض آن با قواعد آمره تنها در قلمرو حقوق معاهدات مصداق دارد. از آنجا که تحریم اساساً اقدامی یک‌جانبه است و در مجموعه اعمال یک‌جانبه دولت‌ها طبقه بندی می‌گردد، شاید برخی اینگونه استدلال نمایند که در فرض تعارض اعمال یک‌جانبه با قواعد آمره، نمی‌توان به ابطال اعمال یک‌جانبه حکم داد. البته، در مقابل، این

1. Jus cogens.

استدلال نیز مطرح است که تعارض اعمال یک‌جانبه دولت‌ها با قواعد آمره موجب ابطال اعمال یک‌جانبه می‌گردد؛ چراکه در معاهدات خصوصیتی وجود ندارد که ماده ۵۳ کنوانسیون وین بدان محدود و منحصر شود. به عبارت دیگر، می‌توان با قیاس اولویت چنین نتیجه گرفت که هر قاعده‌ای که مخالف قاعده آمره باشد، باطل و بلااثر است.^۱

اما، در قرن بیستم، تحولاتی شکل گرفت که سیمای حقوق بین‌الملل را در سه زمینه متحول کرد: توسل به زور ممنوع شد؛ تصویب منشور حقوق بشر نظام ممنوعیت زور را تقویت کرد؛ ظهور قاعده آمره سبب شد که دیگر تحریم‌های یک‌جانبه از مشروعیت برخوردار نیستند.

انکون، تحریم‌های یک‌جانبه را از سه دیدگاه فوق‌الذکر تحلیل می‌کنیم.

۳.۳.۲. عدم مشروعیت اعمال تحریم‌های یک‌جانبه از دیدگاه حقوق بشر

اعمال تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی ممکن است تأثیراتی مخرب و منفی بر طیف‌های وسیعی از حقوق بشر گذارد. برای نمونه، چنانچه دولتی با اعمال تحریم‌های یک‌جانبه نظام پولی و بانکی دولت دیگری را هدف قرار دهد، شالوده‌های اقتصادی دولت هدف تحریم فرو خواهد ریخت و در نتیجه موجب خواهد شد که زندگی و معیشت شهروندان آن جامعه عمیقاً تحت تأثیر قرار گیرد.

تحریم‌های اقتصادی ممکن است موجب کمبود دارو در کشور هدف شود و حق بر سلامت شهروندان را در مخاطره قرار دهد. از آنجاکه حق بر دارو ضامن بقای حیات آدمیان قلمداد می‌شود، محرومیت شهروندان از دسترسی به دارو موجب مرگ و میرهای وسیع در کشور هدف تحریم گردیده، در نتیجه حق حیات افراد را سلب می‌کند. اساساً، حق حیات را می‌توان به صورت مضیق و موسع تفسیر کرد. مطابق با تفسیر مضیق، حق حیات به حیات جمادی و نباتی محدود می‌شود و معنای آن زنده بودن است. اما، کمیته حقوق بشر به صراحت تفسیر مضیق از حق حیات را نفی نموده است. مطابق با نظر کمیته حقوق بشر، حق حیات در سیاق ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به معنای بهره‌مندی فرد از زندگی شرافتمندانه است و نمی‌توان آن را به

1. O. Dörr and K. Schmalenbach (eds). The Vienna Convention on the Law of Treaties: A Commentary. Berlin: Springer, 2012.

حیات جمادی و نباتی محدود نمود.^۱ بدین ترتیب، تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی غالباً با محرومیت شهروندان کشور هدف تحریم از دسترسی به داروهای حیاتی موجب نقض حق بر حیات اعضای آن جامعه می‌شود.

افزون بر این، گاه دولت‌ها با برقراری تحریم‌های یک‌جانبه، درآمدهای ارزی دولت‌ها را هدف قرار داده، به بنیادهای اقتصادی دولت‌ها آسیب‌هایی جدی وارد می‌سازند. برای نمونه، دولت دونالد ترامپ در ۸ مه ۲۰۱۸ با وضع شدیدترین تحریم‌ها علیه دولت ایران، درآمدهای نفتی آن کشور را هدف قرار داد. روشن است که کاهش درآمدهای ارزی ممکن است موجب گسترش فقر در درون جامعه شود و زندگی و امرار معاش مردمان را تحت تأثیر قرار دهد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد با آگاهی از تأثیرات مخرب تحریم‌های یک‌جانبه با صدور قطعنامه‌هایی این‌گونه اقدامات را محکوم نموده و از کلیه دولت‌ها خواسته است که در روابط خود از ابزارهای قهرآمیز یک‌جانبه استفاده ننمایند. در قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد به تاریخ ۲۱ فوریه ۲۰۱۴، اعضای ملل متحد به صراحت اعمال اقدامات یک‌جانبه قهرآمیز را نقض حقوق بین‌الملل قلمداد نموده‌اند.^۲ مطابق با این قطعنامه، اعمال تحریم‌های یک‌جانبه موجب نقض حق بر توسعه^۳ کشورهای هدف تحریم می‌گردد. حق بر توسعه، فرایند جامعی است که هدف آن بهبود مستمر وضعیت مردمان و افراد هر جامعه است.^۴ بدیهی است، اعمال تحریم‌های یک‌جانبه موجب گسترش فقر و رکود اقتصادی در کشور هدف تحریم گردیده، از اساس دستیابی مردمان آن را به حق بر توسعه ساقط می‌کند.

گاه نیز اعمال تحریم‌های یک‌جانبه موجب تأثیرات بسیار زیان‌بار بر حق بر غذای شهروندان می‌شود. غالباً کشورهایایی که تحت نظام تحریم‌های یک‌جانبه قرار دارند، به سبب کمبود درآمدهای دولت نمی‌توانند ارز مورد نیاز برای واردات غذای مورد نیاز مردمان خود را فراهم نمایند. بدین ترتیب، گاه اعمال چنین تحریم‌هایی موجب شیوع سوءتغذیه و گرسنگی در جامعه

1. Human rights committee, General comment N.36 (2018) on article 6 of the international covenant on civil and political rights, on the right to life, 30 October 2018.

2. General assembly, Human rights and unilateral coercive measures, 21 February 2014.

3. Right to development.

۴. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، حق بر توسعه را چنین تعریف نموده است:

«Development is a comprehensive economic, social, cultural and political process, which aims at the constant improvement of the well-being of the entire population and of all individuals...».

هدف تحریم می‌شود. همچنین، چنین تحریم‌هایی ممکن است تأثیراتی بسیار منفی بر معیشت شهروندان داشته باشد و آنان را از بهره‌مندی از ضروریات زندگی محروم نماید. اساساً، مطابق با پاراگراف ۲ از ماده ۱ مشترک میان میثاقین (حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)، هرگز نمی‌توان مردم را از وسایل و ضروریات معاش^۱ محروم کرد.

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز با صدور قطعنامه‌ای در ۳ اکتبر ۲۰۱۳ با عنوان «حقوق بشر و اقدامات یک‌جانبه قهری»، اعمال تحریم‌های یک‌جانبه را مغایر با حقوق بین‌الملل قلمداد نموده است.^۲ قطعنامه مزبور به چندین نکته مهم در این باره اشاره نموده است که به اختصار مورد اشاره قرار خواهد گرفت: نخست آنکه، تحریم‌های یک‌جانبه می‌تواند بر سطح معیشت شهروندان جامعه اثراتی منفی و مخرب داشته باشد؛ دوم آنکه، اعمال تحریم‌های یک‌جانبه مانعی جدی بر فرایند حق بر توسعه قلمداد می‌شود؛ سوم آنکه، اعمال تحریم‌های یک‌جانبه با گسترش فقر موجب محرومیت شهروندان جامعه از بهره‌مندی از ضروریات معاش می‌گردد؛ چهارم آنکه، اگر تحریم‌های اقتصادی اثراتی فراسرزمینی داشته باشند، اعمال چنین تحریم‌هایی موجب نقض اصل حاکمیت سایر دولت‌ها می‌گردد.

به هر حال، توجه به این مطلب ضروری است که قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد اسنادی الزام آور نیستند. چنین اسنادی در ردیف حقوق قوام نیافته^۳ طبقه‌بندی می‌گردند و به خودی خود نمی‌توانند ایجاد الزام و تکلیف نمایند. قطعنامه شورای حقوق بشر درباره تحریم‌های یک‌جانبه با رأی مخالف برخی دولت‌های غربی (نظیر آمریکا، آلمان، اتریش، ایتالیا، ژاپن، سوئیس، اسپانیا) به تصویب رسیده است. باوجوداین، چنین قطعنامه‌هایی می‌تواند در آینده حقوق بین‌الملل سهمی مهم داشته باشد و جهت حرکت رو به رشد نظام حقوق بین‌الملل را ترسیم نماید. چنین قطعنامه‌هایی حاکی از آن است که آینده حقوق بین‌الملل به سویی جهت دارد که در آن اعمال تحریم‌ها و اقدامات قهری یک‌جانبه، نامشروع قلمداد خواهد گردید.

1 Means of subsistence.

2. Human rights council, human rights and unilateral coercive measures, 8 October 2013.

3 Soft Law.

۳.۳.۳. عدم مشروعیت اعمال تحریم‌های یک‌جانبه از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی

حقوق مسئولیت بین‌المللی مجموعه‌ای از قواعد ثانویه است و با قواعد اولیه سر و کار ندارد. در واقع، مجموعه قواعد حقوق مسئولیت بین‌المللی «مشروعیت» اعمال و افعال دولت‌ها را بررسی نمی‌کند و مشغول تعیین باید و نباید در رفتار دولت‌ها نیست. در فرضی که یک قاعده حقوق بین‌الملل نقض گردد، حقوق مسئولیت بین‌المللی از تعیین مسئولیت بین‌المللی و شیوه‌های جبران خسارت بحث می‌نماید.

«اقدامات متقابل»^۱ یکی از رایج‌ترین شیوه‌های واکنش به فعل متخلفانه بین‌المللی است. در صورتی که یک دولت تعهدات بین‌المللی خود را در قبال دولت دیگر نقض نماید، دولت زیان دیده حق دارد تا تحت شرایطی به «اقدام متقابل» علیه دولت متخلف اقدام نماید. گاه، دولت‌ها با استناد به حق خود در اتخاذ اقدامات متقابل، دولت دیگر را تحریم می‌کنند. در این مورد، میان مبحث تحریم و اقدامات متقابل هم‌پوشانی به وجود می‌آید. در چنین وضعیتی، دولت‌ها تحریم‌های یک‌جانبه خود را با استناد به اقدامات متقابل توجیه می‌کنند. به همین سبب، در مبحث تحریم‌های یک‌جانبه شناخت «اقدامات متقابل» و شرایط توسل به آن از اهمیت وافری برخوردار است.

ماده ۴۹ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت در خصوص «اقدام متقابل» چنین اشعار داشته است: «۱. هر دولت زیان دیده‌ای می‌تواند تنها علیه دولت دیگری که مسئولیت فعل متخلفانه بین‌المللی است، دست به اقدام متقابل زند، به منظور آنکه آن دولت را به انجام تعهداتش طبق قسمت دوم وادار نماید. ۲. اقدامات متقابل محدود به عدم ایفای تعهدی است که برای زمان تعهدات بین‌المللی دولتی که به اتخاذ اقدامات در قبال دولت مسئول مبادرت کرده است. ۳. اقدامات متقابل باید، تا آنجا که ممکن است، به شیوه‌ای اتخاذ گردد که اجرای مجدد تعهدات مذکور را میسر گرداند».

بدیهی است که حقوق بین‌الملل محدودیت‌هایی را برای اقدامات متقابل در نظر گرفته و استفاده از آن را محدود نموده است. مهم‌ترین شرط مبادرت به اقدامات متقابل آن است که اساساً

1. Countermeasures.

نقض عهدی صورت گرفته باشد. بدین ترتیب، هیچ دولتی نمی‌تواند بی‌آنکه از پیش تخلفی صورت گرفته باشد، تنها با استناد به منافع ملی خود علیه دولت دیگری دست به اقدامات متقابل زند. از دیگر شروط مهم اقدامات متقابل آن است که باید با تخلف انجام شده تناسب داشته باشد. بنابراین، دولت‌ها نمی‌توانند به بهانهٔ اخذ اقدامات متقابل تحریم‌هایی را اعمال نمایند که حقوق بشر بنیادین شهروندان را تحت تأثیرات سوء خود قرار دهد. مؤید این سخن آنکه بند (ب) از مادهٔ ۵۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت به صراحت اعلام نموده است که اقدامات متقابل نباید حقوق بنیادین بشر^۱ را تحت تأثیر قرار دهد.

بنابراین، به درک این واقعیت می‌رسیم که اقدامات متقابل در حقوق بین‌الملل در قلمرو ارادهٔ مطلق دولت‌ها قرار ندارد و دولت‌ها مکلف‌اند در اتخاذ اقدامات متقابل شروط اساسی آن را رعایت نمایند. در نهایت، در صورتی که تخلف بین‌المللی پایان پذیرد، دولت تحریم‌کننده باید تحریم‌های اقتصادی خود را متوقف نماید؛ چراکه طبق بند ۲ ماده ۵۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت، اتخاذ اقدامات متقابل تنها در بازه زمانی میسر است که فعل متخلفانه بین‌المللی تداوم پیدا می‌کند. بنابراین، از آنجا که اقدامات متقابل تابعی از فعل متخلفانهٔ بین‌المللی است، با توقف فعل متخلفانه، اقدامات متقابل نیز متوقف می‌گردد.

1. Fundamental human rights.

نتیجه‌گیری (با نگاه به واپسین رویکرد حقوقی)

سویای تحریم‌هایی که ایالات متحده از آغاز انقلاب اسلامی تا امروز علیه ایران وضع و اجرا نموده است، در سال ۱۹۹۶، آمریکا با تصویب قانون تحریم‌های لیبی و ایران تحریم‌های شدیدی را علیه ایران وضع و اجرا کرد. تا آنکه در ۸ مه ۲۰۱۸، دولت دونالد ترامپ تحریم‌های اقتصادی شدیدتری را علیه ایران وضع و اجرا کرد. تحریم‌های اخیر آمریکا ماهیتی پلکانی دارد و به تدریج دامنه آن افزون‌تر می‌شود. طبق اعلام مقامات آمریکا، تحریم‌های اخیر شدیدترین تحریم‌های تاریخ علیه ایران بوده است.^۱ این تحریم‌ها بخش‌های مختلف اقتصاد ایران را در زمینه‌های انرژی، حمل و نقل و شبکه بانکی هدف قرار داده‌اند. پس از وضع این تحریم‌ها، دولت ایران در ۱۶ ژوئیه ۲۰۱۸ با تقدیم دادخواستی به دیوان بین‌المللی دادگستری دعوی را علیه آمریکا طرح کرد. ایران در دادخواست خود ادعا کرد که تحریم‌های ۸ مه ۲۰۱۸ مقررات عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی ۱۹۵۵ را نقض کرده است. بر همین اساس، ایران از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست کرد که با صدور دستور موقت از آمریکا بخواهد که تحریم‌های ۸ مه ۲۰۱۸ را لغو نماید.

دیوان بین‌المللی دادگستری، پس از برگزاری جلسات استماع و برقراری شور، در ۳ اکتبر ۲۰۱۸ دستور موقت را صادر کرد و مشخصاً ایالات متحده را مکلف کرد، با هر ابزاری که در اختیار دارد، هرگونه مانع ناشی از تحریم‌های ۸ مه ۲۰۱۸ در خصوص صادرات آزاد اقلام عمده به سرزمین جمهوری اسلامی ایران را لغو نماید.^۲

دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری دستاوردی درخشان و نمادین برای ایران به ارمغان آورد. برجسته‌ترین جنبه دستور موقت ۳ اکتبر دیوان آن بود که قضات دیوان بین‌المللی دادگستری به اتفاق آرا از آمریکا درخواست نمودند که کلیه موانع را بر سر راه تجارت اقلام

1. <https://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/programs/pages/iran.aspx>.

۲. دیوان در دستور موقت خود طی سه بند به اتفاق آرا تصمیم گرفت که تحریم‌های ۸ مه ۲۰۱۸ در خصوص صادرات آزاد اقلام مشروحه زیر: الف) اقلام دارویی و پزشکی، ب) اقلام کشاورزی و غذایی، ج) قطعات، تجهیزات و ابزار یدکی (شامل تضمین، حفظ، تعمیرات و بازرسی) ضروری برای امنیت هوانوردی غیرنظامی لغو گردد. همچنین به موجب این قرار: «به اتفاق آرای آمریکا مکلف است این امر را تضمین نماید که پروانه‌ها و مجوزهای ضروری اعطا شوند و پرداخت‌ها و هرگونه نقل و انتقالات در رابطه با کالاها و خدمات مذکور در بند ۱ با هیچ‌گونه محدودیتی روبرو نگردند (...). و هریک از اصحاب دعوا مکلف است از هرگونه اقدامی که می‌تواند دامنه اختلاف را نزد دیوان گسترده‌تر یا تشدید نموده و حل آن را مشکل نماید، پرهیز کنند».

بشردوستانه با ایران لغو نماید. اما، باید توجه داشت که دستور موقت، همان‌طور که از نام آن پیداست، فیصله‌بخش دعوا نیست. هدف دستور موقت فقط حفظ حقوق طرفین دعوا تا زمان صدور حکم ماهوی است و این دستور متضمن حقوق ماهوی طرفین دعوا نیست. بنابراین، با مطالعه دستور موقت ۳ اکتبر دیوان بین‌المللی دادگستری نباید در استنباط حقوقی تعجیل کرده و سریعاً به این نتیجه رسید که دیوان بین‌المللی دادگستری تحریم‌های یک‌جانبه را مغایر حقوق بین‌الملل اعلام نموده است. دعوای ایران علیه ایالات متحده آمریکا هنوز تصمیم‌گیری اصلی را در این خصوص پیش‌رو دارد.

آنچه مسلم است اینکه شورای حقوق بشر به کرات اعمال تحریم‌های یک‌جانبه را مغایر با اصول حقوق بین‌الملل اعلام نموده است. برای نمونه، این شورا در تاریخ ۸ اکتبر ۲۰۱۳ با تصویب قطعنامه‌ای در خصوص اقدامات تضيیعی یک‌جانبه و حقوق بشر،^۱ آثار زیان‌بار تحریم‌های یک‌جانبه را تحلیل نموده است. همچنین، شورای حقوق بشر با تصویب قطعنامه‌ای در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۷،^۲ به صراحت اعلام نموده است که اعمال تحریم‌های یک‌جانبه تأثیرات منفی زیان‌باری بر حقوق بشر می‌گذارد.

اهمیت این موضوع سبب شد، شورای حقوق بشر تصمیم گرفت با تعیین گزارشگر ویژه‌ای، مسئله آثار زیان‌بار تحریم‌های یک‌جانبه را بر حقوق بشر مورد مطالعه قرار دهد. بنابراین، این شورا آقای ادريس الجزایری قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری را به عنوان گزارشگر ویژه منصوب کرد. ادريس الجزایری پس از مطالعه موضوع، گزارشی را تحت عنوان «اثر زیان‌بار تحریم‌های یک‌جانبه بر بهره‌مندی از حقوق بشر»^۳ در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۸ به شورای حقوق بشر ارائه کرد. اهم نکات مطروح در گزارش مزبور به شرح زیر است:

نخست: گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در گزارش خود، از وضع شدیدترین تحریم‌های تاریخ علیه جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی نموده و به صراحت اعلام نموده است که وضع تحریم‌های آمریکا علیه ایران تأثیرات منفی و زیان‌باری بر حقوق بشر در ایران داشته است.

1. Resolution adopted by the Human Rights Council, Human rights and unilateral coercive measures, 8 October 2013.
2. Resolution adopted by the Human Rights Council on 28 September 2017, 36/10. Human rights and unilateral coercive measures.
3. Report of the special rapporteur on the negative impact of unilateral measures on the enjoyment of human rights, [A/73/175], 17 July 2018.

دوم: گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر به منظور اثبات ممنوعیت تحریم‌های یک‌جانبه استدلالی نو و بدیع آورده و بدین منظور به حقوق مخاصمات مسلحانه (حقوق بشردوستانه) استناد کرده است. در هنگامی که دو کشور در حال مخاصمات مسلحانه علیه یکدیگرند، هردو موظف‌اند که اصل تفکیک جمعیت نظامی و غیرنظامی را رعایت کنند. به همین دلیل، دول متخاصم نباید جمعیت غیرنظامی را هدف حملات نظامی خود قرار دهند. در مقابل، هنگامی که دولتی مورد تحریم قرار می‌گیرد، اصل تفکیک جمعیت نظامی و جمعیت غیرنظامی نقض می‌شود؛ زیرا آثار زیان‌بار تحریم‌های یک‌جانبه‌گرایی جمعیت غیرنظامی می‌شود و حقوق بشری مردمان را نقض می‌کند.

در واقع، ادیس الجزایری برای اثبات ممنوعیت تحریم‌های یک‌جانبه به درستی به قیاس اولویت تمسک بسته است. شیوه چنین قیاسی آن است که در هنگام بروز مخاصمات مسلحانه میان دو کشور، هردو اصل تفکیک جمعیت نظامی و جمعیت غیرنظامی را رعایت می‌کنند؛ پس به طریق اولی در زمان صلح، یعنی در زمانی که مخاصمات مسلحانه میان دو کشور وجود ندارد، هر دو طرف موظف‌اند تا اصل تفکیک را لحاظ کنند و در نتیجه از سرایت آثار زیان‌بار تحریم‌های یک‌جانبه به جمعیت غیرنظامی خودداری ورزند. مع‌الوصف، اعمال تحریم‌های یک‌جانبه اصل تفکیک را نقض می‌کند و موجب نقض سیستماتیک حقوق بشر می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که براساس کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹، دولت اشغالگر حتی موظف است که اقلام غذایی و دارویی جمعیت غیرنظامی را فراهم آورد. پس به طریق اولی، در زمان صلح هیچ دولتی حق ندارد که حق بر غذا و حق بر داروی جمعیت غیرنظامی را نادیده انگارد.

سوم: بر اساس گزارش ادیس الجزایری، اعمال تحریم‌های یک‌جانبه موجب نقض اصل منع تبعیض در حقوق بین‌الملل می‌گردد. توضیح آنکه، بر اساس اصل منع تبعیض، همه انسان‌ها از حقوق بشر بهره‌مندند و هیچ دولتی نمی‌تواند بر اساس جنسیت، ملیت، تابعیت، نژاد و مذهب میان افراد بشری تبعیض برقرار نماید. اعمال تحریم‌های یک‌جانبه موجب نقض اصل منع تبعیض می‌شود؛ چراکه شهروندان یک کشوری به علت تابعیت و ملیت خود هدف تحریم‌های یک‌جانبه قرار می‌گیرند.

چهارم: گزارش ادريس الجزایری راهکارهایی ملی و بین‌المللی را برای مقابله با تحریم‌های یک‌جانبه پیشنهاد داده است. یکی از راهکارهای بین‌المللی برای مقابله با تحریم‌های یک‌جانبه رجوع به مکانیسم‌های حل و فصل اختلافات بین‌المللی است. برای نمونه، کشور هدف تحریم می‌تواند با رجوع به مکانیزم حل و فصل اختلاف مندرج در کنوانسیون رفع تبعیض نژادی ۱۹۶۵ نزد کمیته رفع تبعیض نژادی علیه دولت تحریم‌کننده شکایت و ادعا نماید که وضع تحریم‌های یک‌جانبه موجب نقض اصل منع تبعیض گردیده است. علاوه بر این، اشخاص حقیقی و حقوقی هدف تحریم می‌توانند با مراجعه به دادگاه‌های ملی علیه دولت‌های تحریم‌کننده طرح دعوا کنند و ابطال تحریم‌های یک‌جانبه را تقاضا نمایند. برای نمونه، از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵، تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران موجب شد که برخی دانشجویان ایرانی از حق بر تحصیل در دانشگاه‌های اروپایی منع شوند. اما، پس از حصول تفاهم‌نامه برجام، همین دانشجویان ایرانی در دادگاه‌های ملی هلند طرح دعوا کردند و موفق شدند تا ممنوعیت حق بر تحصیل خود را نقض کنند و به ادامه تحصیل مشغول شوند.

پنجم: ادريس الجزایری در گزارش خود راهکارهایی را برای جبران خسارت اشخاص هدف تحریم پیشنهاد نموده است. به اعتقاد وی، اصل مطالبه غرامت در زمره اصول کلی حقوق بین‌الملل قرار دارد. این بدان معناست که اگر به علت اعمال تحریم‌های نامشروع، شخصی متضرر گردد، بنا به اصل مطالبه غرامت می‌تواند جبران خسارات وارده را تقاضا نماید.

ششم: ادريس الجزایری پیشنهاد داده است که مجمع عمومی ملل متحد مسئله «مشروعیت تحریم‌های یک‌جانبه» را در قالب درخواست نظر مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری طرح نماید. همان‌طور که می‌دانیم، مجمع عمومی ملل متحد در مواردی از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای نظر مشورتی نموده است. درخواست نظر مشورتی می‌تواند فرصتی را در اختیار دیوان بین‌المللی دادگستری قرار دهد تا مسئله «آثار زیان‌بار تحریم‌های یک‌جانبه بر حقوق بشر» را مورد ارزیابی قرار دهد.

براساس موضع شورای حقوق بشر در مواجهه با تحریم‌های یک‌جانبه، می‌توان گفت که تحریم‌های یک‌جانبه اتحادیه اروپا نامشروع‌اند. دلایل عدم مشروعیت تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران را می‌توان به این گونه تلخیص کرد:

۱- تحریم‌های یک‌جانبه اتحادیه اروپا علیه ایران تأثیراتی مخرب و زیان‌بار بر سطح معیشت ایرانیان داشته است. همان‌طور که ملاحظه نمودیم، اتحادیه اروپا از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ تحریم‌هایی به مراتب گسترده‌تر از تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران وضع کرد. اتحادیه اروپا در کار خود چندان پیش رفت که نفت ایران را نیز تحریم کرد. در سال‌های تحریم، فروش نفت ایران به طور بی‌سابقه‌ای کاهش پیدا کرد و این وضع، اثرات مخرب و زیان‌بار متعددی بر سطح معیشت ایرانیان داشت. به علاوه، اتحادیه اروپا تنها به تحریم نفت ایران بسنده نکرد و قلمرو تحریم‌های یک‌جانبه خود را در سطح وسیعی در عرصه‌های پتروشیمی، بیمه و کشتیرانی گسترش داد. چنین تحریم‌هایی وضعیت معیشت مردمان ایران را به شدت تحت تأثیر قرار داد.

۲- ایران از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۵، به علت تحریم‌های بی‌سابقه اتحادیه اروپا، از حق بر توسعه و بالندگی محروم شد. روابط مالی، تجاری و بانکی ایران متوقف شد و دولت از فروش نفت ناتوان بود. صنایع پتروشیمی ایران نیز به سبب تحریم‌های یک‌جانبه اتحادیه اروپا از رشد ایستاد.

۳- اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲ با تحریم نفت ایران عملاً اصل تفکیک میان جمعیت نظامی و غیرنظامی را نادیده گرفت. در واقع، نفت منبع اصلی درآمد دولت ایران قلمداد می‌شود و ۷۰ درصد از بودجه کل کشور به آن متکی است. دولت ایران با اتکا به درآمدهای نفتی خود حقوق کارمندان و اقشار حقوق بگیر را تأمین و نیازهای اصلی مردم ایران را اداره می‌نماید. در نتیجه، تحریم نفت ایران تنها به معنای تحریم دولت ایران نیست و آثار آن گریبان‌گیر مردم ایران گردیده است.

۴- اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲ با تحریم نفت ایران عملاً اصل منع تبعیض را نادیده گرفت. در واقع، دامنه تحریم‌های یک‌جانبه اتحادیه اروپا تنها شامل دولت ایران نبود و تبعات مضر آن بر شهروندان ایران تأثیری مستقیم داشت. یک شهروند ایرانی به سبب آنکه ملیت و تابعیتی ایرانی داشت تبعات مضر تحریم‌های اتحادیه اروپا را بر شانه خود احساس می‌کرد؛ چراکه

تحریم نفت ایران به معنای تحریم دولت ایران نیست؛ بلکه به معنای تحریم منابع اقتصادی مردمان ایران قلمداد می‌شود.^۱

به اعتقاد الکساندر اوراخلاشویلی، استاد دانشگاه بیرمینگهام، تحریم‌های اتحادیه اروپا، یعنی همان تحریم‌هایی که دامنه‌ای گسترده‌تر از تحریم‌های ملل متحد داشت، حقوق بنیادین دولت ایران را همچون اصل عدم مداخله، حق بر داشتن روابط تجاری، حق بر تعیین خط مشی اقتصادی و حق بر بهره‌برداری از منابع طبیعی نقض نموده است.^۲ چه آنکه، ایران طبق ماده ۴ معاهده ان پی تی حق دارد به منظور مقاصد صلح‌آمیز، به استفاده، تولید، تحقق و توسعه فعالیت‌های هسته‌ای مبادرت نماید.

۱. برای اثبات ممنوعیت تحریم‌های یک‌جانبه، می‌توان به مخالفت کشورهای غربی با تحریم اوپک در نتیجه جنگ شش‌روزه با اسرائیل استناد کرد. پس از جنگ شش‌روزه اعراب با اسرائیل، سازمان اوپک اسرائیل را تحریم نمود. در نتیجه سیاست‌های اوپک علیه اسرائیل، دولت‌های غربی با تحریم‌های وضع شده آن سازمان مخالفت کردند. چنین مخالفتی حاکی از آن است که رویه دولت‌های اروپایی با تحریم‌های یک‌جانبه چندان موافق نیست. در این باره رک: ←

←Matthew Happold and paul Eden, Economic Sanctions and International law, Hart publication, p.6.

2. Alexander Orakhelashvili, Sanctions and fundamental rights of states: The case of EU sanctions against Iran and Syria, in Matthew Happold and paul Eden, Economic Sanctions and International law, Hart publication, p.22.

فهرست منابع

منابع فرانسوی و انگلیسی

Books

1. Bhagwati, J., & Patrick, H.T., *Aggressive Unilateralism - America's 301 Trade Policy and the World Trading System*, Univ. of Michigan Press, 1990.
2. Dörr, O. & Schmalenbach, K. (eds). *The Vienna Convention on the Law of Treaties: A Commentary*. Berlin: Springer, 2012.
3. Friedel-Souchu, E., *Extraterritorialité du droit de la concurrence aux États-Unis et dans la Communauté Européenne*, Livr. Gén. De droit et de jur., Paris, 1996.
4. Happold, M. & Eden, P., *Economic Sanctions and International law*, Hart publication, 2016.
5. Malloy, M.P., *Economic Sanctions and U.S. Trade*, Little, Brown, 1990.
6. Mapp, W., *The Iran-U.S. Claims Tribunal, The First Ten Years 1981-1991*, Manchester University Press, 1993.

Articles

7. Arnold, J.R., «The Oilseeds Dispute and the Validity of Unilateralism in a Multilateral Context», 30 *SJIL*, 1994.
8. Calin, J.W., «Extraterritorial Application of the U.S. Trade Embargo Against Cuba: The U.N. General Assembly's Call for an End to the U.S. Trade Embargo», in 24 *GJICL*, 1995.
9. Dattu, R., & Boscarior, J., «GATT Article XXI, Helms-Burton and the Continuing Abus of the National Security Exception», *Canadian Business Journal*, vol. 28, 1997.
10. Dhooge, L.J., «Fidding with Fidel: An Analysis of the Cuban Liberty and Democratic Solidarity Act of 1996», *Arizona Journal of International and Comparative Law*, Vol. 14, No. 3, Fall 1997.
11. Hoelscher, Ch., «The Helms-Burton Bill from A European Point of View», *Tilburg Law Review*, vol. 6, issue 3, 1997.

12. Lowe, V., «U.S. Extraterritorial Jurisdiction: “The Helms-Burton and d’Amato Acts”», in 46 *ICLQ*, 1997.
13. Lowerfeld, A.F., & B. M. Clagett Agora: The Cuban Liberty and Democratie Solidarity (Libertade) Act, by, in: *AJIL*, 1996.
14. McGee, Shane M., «... Or I’ll Take my Toys and Go Home: The Iran and Libya Sanctions Act of 1996», 20 *HJIL*, 1997.
15. Mitchell, A.D., Sanctions and the World Trade Organization, in van den Herik, L. (ed), *Research handbook on UN sanctions and International law*, Edward Elgar Publishing, 2017.
16. Momtaz, Dj., «La Plainte de l’Iran devant le Tribunal des différends irano-américains», in Dossier Documentaire préparé par S. Barbier et al., journée d’actualité juridiques, vendredi 31 janvier 1997.
17. Orakhelashvili, A., «Sanctions and fundamental rights of states: The case of EU sanctions against Iran and Syria», in *Matthew Happold and paul Eden, Economic Sanctions and International law*, Hart publication, 2016.
18. Pellet, A., «Unilateral sanctions and international law», *Yearbook of institute of international law*, Volume 76, Tallinn Session, Publisher: éditions Pedone, Paris, 2015.
19. Stern, B., «Can the U.S. Set Rules for the World? A French View», in *Journal of World Trade*, Vol. 31, No. 4, August 1997.
20. Syolander, C.T., «Unilateralism and Multilateralism: The U.S. and the Negotiation of the GATS», *International Journal*, XLVIII, Winter 1992-1993, No. 1.

